

مطالبه ورود قاطع مدعی‌العموم به یک طرح معطله

سپهرغرب، گروه شهر – عباس سریشی؛ به‌دلیل اهمال و مسامحه بیش از اندازه سازمان‌های متولی اجرای طرح جابه‌جایی مشاغل آلاینده و مزاحم به خارج از شهر همدان، دستگاه قضائی باید حکم قاطع و ضرب‌العجلّی برای آن‌ها صادر کند.

از منظر کارشناسان و صاحب‌نظران مقلوه توسعه شهر و صنعت لازم و ملزوم یکدیگر هستند و از ره‌آورد این ملازمت علاوه بر امکان اشتغال و رشد اقتصادی برای شهروندان شاهد افزایش امکانات و تسهیل در دسترسی به نیازهای زندگی روزمره آن‌ها خواهیم بود.

اما به همین موازات و ماحصل فعالیت بسیاری از همین واحدهای تجاری، صنعتی و تولیدی نیز ناگزیر محتمل بروز تبعات و مشکلات ریز و درشت دیگری نیز هستنیم که سلامت، آرامش و ایمنی محیط زندگی شهری را تحت تأثیر قرار داده و آن را دستخوش مسائل گوناگونی از قبیل عدم اعتدال در سیمامنت‌های شهری، مسائل ناشی همجوارى با کاربری‌های ناسازگار، مسائل زیست‌محیطی و اکولوژی شهری شامل آلودگی هوا، خاک، صوت، فاضلاب و مسائل جمعیتی از نظر اجتماعی، روانی و اقتصادی، مسائل ترافیکی ازجمله ترده بیش از حد وسائل نقلیه در شبکه‌های ارتباطی و... می‌کند.

طبیعی است که در چنین شرایطی این ساکنان محلی به‌عنوان اصلی‌ترین ذی‌نفع در محیط شهری هستند که از این ناسازگاری و مسائل ناشی از آن رنج برده و مجبور به زندگی در محیطی خواهند بود که اصول، معیارهای بهداشت و سلامت و ایمنی در آن رعایت نشده و هر لحظه احتمال بروز حادثه و رخداد و ننگ‌های جانی و مالی (فردی یا جمعی) در آن متصور است.

معضلات و مشکلات زیست‌محیطی که از ایجاد سر و صدای، تجمع ضایعات، سد معبر، گره ترافیکی، پخش ذرات، روی نامطبوع ناچیزهای لرش، دود و آلودگی هوا، خاک و... ادامه پیدا کرده و حتی در کوتاه‌مدت نیز این امکان را دارد تا خطرات ناشی از این آلاینده‌ها به‌صورت جدی و عمیق بر سلامت جسمی و روحی شهروندان و سیمای شهرها اثرات سوء و نامطلوب بگذارد.

صاحب‌نظران با اشاره به اینکه سهم زیادی از حوادث مرگبار از قبیل آتش‌سوزی‌ها و انفجارها نیز ناشی از موضوع این صنایع و واحدهاست بر این نکته تأکید دارند که عموماً به‌دلیل نامناسب بودن سیم‌کشی کارگاه، فقدان بازدیدهای دوره‌ای، نبود زمان و وسایل کافی برای کنترل حریق و عدم مدیریت، آموزش و سرعت عمل کارکنان و... صرفاً به‌دلیل نوع کار و ماهیت اغلب فعالیت‌های آنان خطرآفرین تلقی می‌شود.

بنابراین با هدف کنترل و کاهش نرخ خطر و نجات، باید موضوع اینانی و دسته‌بندی میزان و شدت خطر اینگونه مشاغل نیز مورد توجه قرار گرفته و در هرگونه تصمیم‌گیری جهت ساماندهی و جابجایی، در بالای فهرست اولویت‌بندی قرار گیرد تا به حقوق و جان و مال شهروندان آسیبی وارد نشود.

البته قانون در راستای حمایت معنوی از مسکن و محل سکونت و حفظ آرامش ساکنان شهرها، تکالیفی را برای ارگان‌ها و سازمان‌های مدیریت شهری تعریف و ابلاغ کرده که به‌موجب

و مشاغل و یا طرح تفضیلی شهر، به‌وضوح نشان‌دهنده این حقیقت است که هم‌اکنون بخش وسیعی از شهر همدان در سیطره فعالیت مشاغل و واحدهایی است که عموماً جزو مشاغل مزاحم محسوب شده و به‌دلیل نوع فعالیت خود موجب وارد آوردن آسیب و خدشه بر وجهه فرهنگی و متعاقباً آرامش و سلامت شهروندان و ساکنان آن شده‌اند.

گستره‌ای وسیع که از میدان بار آغاز شده و تا ده‌ها صنف مرتبط با تعمیرات خودرو در چراغ قرمز و بلوار بهشت، مراکز جمع‌آوری و فروش ضایعات، واحدهای فروش آهن و پروفیل، مصالح ساختمانی، کارگاه‌های چوب و الوار، کارخانه‌های سنگ‌بری، کارگاه‌های ساخت بلوک و تیرچه سیمانی، فلزکاری‌ها، ریخته‌گری و نورد، قیر و عایق، چوب و صنایع وابسته، فروش احشام و طیور، کارگاه‌های تولید کفی و تریلر، تانکرسازی‌های اطراف آن ادامه پیدا می‌کند.

برای درک بهتر این موضوع فقط کافی است تصور کنید اگر قرار باشد هرکدام از این واحدها بنا به نوع فعالیت خود فقط یک عارضه و بسامد منفی را به شهر تحمیل کنند که در حال حاضر هم چنین است، آن‌وقت باید دید که با چه محیط شلوغ، درگیر – پرتنش به لحاظ آسیب‌های زیست‌محیطی و مغایر با استانداردهای سلامت شهری مواجه بوده و دست به گریبان هستیم.

در این راستا و صد البته در پی افزایش شکایات شهروندان بر خصوص فعالیت مشاغل مزاحم در برخی از مناطق شهر که باعث سلب آسایش و امنیت آن‌ها شده برخی مسئولان با تأیید این امر که هرچه به سمت صنعتی شدن شهر می‌رویم، تبعات آن برای جامعه بیشتر شده و سلامت و آرامش شهر و ساکنان آن را به چالش خواهند کشید، معتقدند که چون انتقال مشاغل مزاحم

به خارج از شهر یک تکلیف معطله محسوب می‌شود پس بسیار ضروری است تا شهرداری در اسرع وقت در خصوص ساماندهی مشاغل مزاحم شهری مطالعه جامعی داشته و آن را به مرحله اجرا گذارد.

آن حیث اهمیت دارد که وظیفه شهرداری رفع خطر از شهر بوده که مقابل به با مشاغل مزاحم یکی از این موارد است؛ بنابراین اگر امروز برای این موضوع اقدام نکند قطعاً دستگاه دیگر نیز این کار را نمی‌کند.

البته در این میان نیز هستند صاحب‌نظرانی

که معتقدند تا زمانی که محل مناسبی برای ساماندهی این واحدها در نظر گرفته نشده، زیرساخت‌های جابه‌جایی مهیا نیست و یا اعتبارات لازم برای تملک اراضی تأمین نشود قطعاً امکان اجرای این طرح با سرعت و کیفیتی که مسئولان و مردم انتظار دارند، میسر نخواهد شد.

مع‌الوصف در پاسخ به این ادعا نیز برخی با عنوان اینکه وظیفه شهرداری است و باید با تمام تشکیلات، امکانات و اختیارات به سمت ساماندهی مشاغل، پیش برود تصریح می‌کنند که چون شهرداری زمین‌ها و املاک بسیاری دارد و با اجرای این جابه‌جایی نیز امکان درآمدزایی کلانی

برای آن به‌وجود خواهد آمد؛ بنابراین می‌تواند با تبدیل و شناسایی آن‌ها در ساماندهی مشاغل از این موارد استفاده کند که با این حساب بهانه

فقدان فضا و عرصه و با اعتبارات برای جابه‌جایی منتفی بوده و از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.
■ **نخواستن یا نتوانستن دوگانه یک طرح معطله**

این یک واقعیت غیرقابل انکار است که به دلایل مختلف اجرای بسیاری از طرح‌های توسعه و عمرانی در استان ما صرفاً به‌دلیل فقدان یک برنامه کاری منظم و منسجم واقعی مبتنی بر تأمین پیش‌نیازها و هم‌نیازها در گردابی از امروز فردا و تعلل و کندي قرار گرفته و بر روی دوش شهر انباشته شده‌اند. طرح‌هایی که هرکدام به‌نوعی موجب بروز مشکلات و مسائل ریز و درشت شده و طبیعی است که ادامه این روند نیز نتیجه‌ای جز تعمیق و مزمن‌سازی تبعات آن ندارد البته نکته تأمل‌برانگیزتر در این میان نیز مشخص نبودن زمان اجرا و یا اتمام آن‌هاست.

بنابراین اکنون این سؤال مطرح است که در نهایت هزینه این اهمال و تعلل را چه کسانی و با چه شدت و کیفیتی خواهند پرداخت؟ تبعات این مسامحه گریبان چه کسی را خواهد گرفت؟ گو اینکه ظاهراً واضح‌ترین پاسخ در این خصوص این است که شهر و شهروندان مجبورند با تحمل شرایط موجود منتظر بمانند تا شاید روزی دستی از غیب برون آید و تکلیف یک قانون لازم‌الاجرای چند دهه معطله با عنوان خارج کردن مشاغل مزاحم از شهر را یک بار برای همیشه روشن کند.

البته برخی هم معتقدند که برای پاسخ به این سؤال نخست باید به‌دنبال جواب چند پرسش دیگر بود اینکه اگر مدیریت‌های آلودگی توان و اراده‌ای برای این کار ندارد پس چرا تاکنون نتوانسته و اگر می‌تواند پس این همه تعلل چه دلیلی دارد؟ دوم اینکه اگر به هر علتی این اراده و توان وجود ندارد چه چیز باعث آن شده و چرا تاکنون نسبت به شفاف‌سازی علل آن در افکار عمومی اقدامی نشده؟ سوم اینکه در نهایت راهکار برون‌رفت از این بن‌بست مدیرتی چیست؟ در واقع هم‌اکنون درخواست عمومی در یک چندگانه مهم و نامشخص از نخواستن و یا نتوانستن گرفتار شده و سال‌هاست در بسیاری موارد از این دست ماند وضعیت کنارگر شهر، خروج میدان، ساماندهی ورودی‌های شهر و... به‌جز برخی پاسخ‌های دویپلو و مبهم و وعده‌های انتخاباتی بی‌ثمر و مدیریتی، چیزی را در مسئولان و متولیان دریافت نمی‌کنند و ظاهراً قرار نیست به هر دلیل در آینده دور هم شاهد اتفاق تازه و امیدوارکننده‌ای در این خصوص

باشند.
برخی منتقدان با اشاره به اینکه اگر طی این یکی دو دهه نظام مدیریت شهری کمی با جدیت و اهتمام بیشتر به ساخت و راه‌اندازی شهرک‌های صنعتی در راستای خارج کردن مشاغل مزاحم اقدام کرده بود، قطعاً امروز علاوه بر ساماندهی این مشاغل می‌توانستیم شاهد تبلور نوعی پاکیزگی و یکدستی در بافت‌های درون‌شهری بهسازی و زیباسازی سیمامنظر شهر، تعریض معابر و خیابان‌ها در راستای گره‌گشایی از ترافیک و یا ایجاد فضا برای ساخت زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی بهداشتی و... در راستای افزایش سطح سلامت، امنیت و آرامش شهر و ساکنان آن باشیم اما...

■ **مطالبات شهروندی**
و اما در جمع‌بندی نتایج حدود ۱۰۰ گفت‌وگو از سوی خبرنگاران سپهرغرب با شهروندان همدانی (اعم از خانم و آقا و عموماً بزرگسال) در خصوص اطلاع و دریافت دیدگاه‌ها، نظرها، انتقادها و پیشنهادهای آن‌ها در قبال وضعیت مشاغل مزاحم و آلاینده در همدان اینگونه استنباط می‌شود که؛

– ۹۵ نفر با تأکید بر لزوم ارتقای سطح سلامت عمومی و حذف مشکلات و عارضه‌های زیست‌محیطی معتقدند که به‌دلیل افزایش جمعیت و تراکم سکونت‌گاه‌ها خروج مشاغل آلاینده و مزاحم یک طرح عادی نیست بلکه یک ضرورت الزام‌آور تلقی می‌شود.

– از دیدگاه ۸۶ مصاحبه‌شونده وجود بسیاری از مشاغل علاوه بر ایجاد مزاحمت و آلودگی به‌خصوص در ورودی‌های شهر به‌نوعی ضد تبلیغ برای ساختار فرهنگی محسوب و باعث وارد آمدن خدشه‌های عمیق و تأسف‌آور بر سیما منظر شهر شده‌اند.

–تقریباً همه افراد ضمن تأیید و تأکید بر حق مالکیت صاحبان حرف و مشاغل بر ملک خود اما معتقدند بر اساس مصالح عامه و در پی جابه‌جایی آن‌ها، عرصه‌های رهاشده می‌تواند بستر بسیار مناسبی برای ایجاد و توسعه زیرساخت‌های آموزشی، درمانی و تفریحی مورد نیاز و درمجموعه توسعه و زیباسازی شهر باشد.
– ۷۵ منظر ۷۵ نفر، مدیریت شهری ابتدا باید زیرساخت‌های مورد نیاز این مشاغل را ایجاد و سپس فعالان را الزام به جابه‌جایی کند اما تاکنون بسیار ضعیف عمل کرده و این طرح عملاً سکونت مانده است.

– از دیدگاه همین گروه منافع و محاسن

جابه‌جایی مشاغل به فضای دورتر از بافت‌های مسکونی، بیشتر نصیب خود فعالان این حرف می‌شود تا مردم زیرا در شهرک‌های جدید فضای بیشتر و بهتری برای گسترش و توسعه فعالیت و تولید خواهند داشت.

–گروهی بالغ بر ۷۲ نفر با اشاره به اینکه خطرات نهفته در این گونه مشاغل بسیار فراوان و بالقوه است، معتقدند در فضاهای جدید امکان ارتقای مؤلفه‌های ایمنی و وجود داشته و در نتیجه نرخ خطرات ناشی از همجواری برای فعالان و شهروندان کاهش خواهد یافت.

–از منظر ۵۶ نفر ظاهراً در پس پرده تعلل و کندي خارج کردن مشاغل مزاحم خرف‌های مگو بین مسئولان شهر و برخی مالکان وجود دارد وگرنه که قانون با کسی در این خصوص تعارف و رودریاستی ندارد.

– از دیدگاه ۴۴ نفر تاکنون هیچ مقام مسئولی درباره علل واقعی عدم جابجایی و یا زمانبندی مشخص اجرای این طرح به مردم پاسخ شفاف و قابل قبولی نداده و بیشتر با جملات دویپلو و مبهم توپ را به زمین همدیگر انداخته‌اند.

– نگاه همین گروه ادامه این روند قطعاً چیزی جز افزایش ضریب آسیب و خطر برای شهر و ساکنان آن به همراه نخواهد داشت و این یک حقیقت غیرقابل انکار است.

– تقریباً همه نفرات حاضر در این گفت‌وگوها با اطمینان عنوان کردند که این طرح حتی در بلندمدت نیز اجرا نخواهد شد چراکه به هر دلیل اراده و تصمیمی برای این کار در ساختار مدیریت شری به‌وجود نیامده است.

–در نگاه جمعی قریب به ۳۹ نفر از شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو، شهر همدان مجموعه‌ای است از طرح‌های معطله و نیمه‌کاره و صد البته مدیریت آن به‌تقریباً نسبت به این موضوع کاملاً غثنی و بی‌تفاوت شده و ظاهراً هیچ عجله‌ای برای ساماندهی آن‌ها ندارد.

–به‌گفته ۲۴ نفر از شهروندان همدانی اگر قانون به‌صورت جدی به این مسئله ورود کرده و مصالح عامه را در نظر بگیرد، قطعاً هیچ‌کس اعم از نهادهای حقوقی، سازمان‌ها، مالکان و فعالان اقتصادی قادر به ممانعت، خودداری و یا شانه خالی‌کردن از تکالیف خود در این خصوص نخواهند بود.

از منظر همین گروه اجرای چند مورد حکم قضائی مشابه نشان داد، امکان اجرای این طرح‌ها به‌صورت ضرب‌العجلّی و لازم‌الاجرا به حکم قانون، وجود دارد.

دست‌فروشی، فرصتی برای ترمیم لطمه‌های اقتصادی یا تهدید اجتماعی؟

معیشتی آن‌ها تلاش کنند.

وی با بیان اینکه دست‌فروشی از آسیب‌های اجتماعی همچون کیف‌فروشی، دزدی و فروش موادمخدر بهتر است، می‌افزاید: مسئولان باید برای نیروی انسانی با به عبارتی جمعیت فعال که بین ۱۵ تا ۶۰ سال هستند، اشتغال ایجاد کنند، بنابراین دست‌فروشی امری است که از روی اجبار به آن روی می‌آورند.

امان‌الله قربایی‌مقدم، ادامه می‌دهد: این مشاغل از لحاظ جامعه‌شناسی به «مشاغل انگلی» معروف هستند؛ یعنی کاری است که در تولید نقشی ندارد و در عین حال بی‌نقش نیست، زیرا مقداری از تولیدات صنایع و کارخانه‌ها توسط دست‌فروشان به فروش می‌رسد.

وی بیان می‌کند، برای ساماندهی این افراد باید مراکزی در شهرهای بزرگ در نظر گرفته شود، به‌طوری‌که از دست‌رس دیگر شهروندان دور نباشد، بنابراین این افراد برای اینکه به انواع کارهای خلاف نپردازند، باید ساماندهی شوند. آن‌ها مدارا و تولید اشتغال کنند.

جامعه‌شناس شهری خاطرنشان می‌کند: البته مغازه‌داران نیز حق دارند؛ بساط کردن دست‌فروشان بر فروش مغازه‌دارها که مالیات نیز پرداخت می‌کند، اثر می‌گذارد.

با توجه به اینکه هنوز در شهرهای کوچک و بزرگ دست‌فروشان وجود دارند، لازم است دستگاه‌های حاکمیتی ازجمله شهرداری برای ساماندهی آن‌ها برنامه‌ریزی کند، زیرا در این بین افرادی هستند که بدون دست‌فروشی، برای امرار معاش به مشکل برمی‌خورند، بنابراین طبق نظر کارشناسان مربوطه باید مکانی برای ساماندهی این افراد در نظر گرفته شود تا هم محل نظم نباشند و هم بتوانند امرار معاش کنند.

تصریح می‌کند: در کشورهایی که دارای تجارب جهانی هستند، از دست‌فروشی نه به‌عنوان یک تهدید، بلکه به عنوان یک فرصت استفاده می‌کنند، زیرا دست‌فروشی می‌تواند موجب رونق و صنعت گردشگری شود؛ البته با سازماندهی و برنامه‌ریزی که شکل صحیح و قابل قبولی داشته باشد.

■ **شهرداری برای ساماندهی دست‌فروشان تلاش کند**

کارشناس اقتصاد شهری با بیان اینکه دست‌فروشی فرصت است و اگر نوع نگاه مبنی بر از بین بردن این دست‌فروش‌ها باشد، مبنی نیست، اظهار می‌کند: به‌طور معمول افرادی دست‌فروشی می‌کنند که ضعیف هستند، مشکلات عدیده دارند، مغازه از دست داده‌اند و سرمایه‌ای برای تهیه آن ندارد.

احمد خوروش، با اشاره به اینکه در گذشته به‌صورت سنتی بازارچه‌های روزهای دوشنبه و چهارشنبه و جمعه برگزار می‌شد که دیگر کمتر این بازارها وجود دارد، ادامه می‌افزاید: در حال حاضر میان فضاهای پاساژهای بزرگ، همان دست‌فروش‌ها در غرفه‌هایی که به صورت مدرن ایجاد شده است، مشغول به کار شده‌اند.

وی ادامه می‌دهد: دست‌فروشی همیشه

نمی‌تواند ضایعه باشد، بلکه می‌تواند فرصت باشد، اگر شهرداری که متولی شهر است، در این امر نقش داشته باشد و دست‌فروشان را ساماندهی کند.

■ **ساماندهی دست‌فروشان در دسترس شهروندان**

جامعه‌شناس شهری نیز می‌گوید: مسئولان باید برای دست‌فروشان تصمیم جدی بگیرند و برای کاهش آمار بیکاری جوانان و مشکلات

داشته باشند، برای رفع این مشکل می‌توانیم با پاک کردن صورت‌مسئله بساط دست‌فروشان را جمع کنیم و با استناد به قانون با آن‌ها برخورد کنیم، اما نمی‌توانیم واقعیت اقتصادی و اجتماعی دست‌فروشی را نادیده بگیریم؛ بهترین حالت این است که با شناسایی این افراد در چند درصد آن‌ها به دلایل اقتصادی و اجتماعی دست‌فروشی می‌کنند تا اگر سرپرست خانوار هستند، بی‌رحمانه عمل نکنیم، شهرداری برای نظم‌بخشی به این پدیده همچون گذشته روزبازارها را در نقاط مختلف شهر راه بیندازد تا علاوه بر تنظیم دست‌فروش‌ها، نیازتاج شهروندان را برای کم کردن بعد مسافت و ترافیک شهری فراهم کنیم.

این مسئول خاطرنشان می‌کند: دست‌فروشی موضوعی تک‌بعدی نیست و به این دلیل که ایجاد مختلف دارد تمام جوانب باید سنجیده شود، نمی‌توان حکم داد که این پدیده فرصت است یا تهدید، زیرا اگر دقت نکنیم، فرصت‌ها به تهدید و سپس به معضل تبدیل می‌شود و در بعد کلان وظیفه حاکمیت از جمله شهرداری، نظم‌بخشی و تدبیر کردن به امور اقتصادی جامعه است که اگر تدبیر نباشد، دست‌فروشی به پدیده‌ای زشت، ایجادکننده ترافیک، فروش جنس قاچاق، دزدی و جلوگیری از کاسبی مغازه‌داران تبدیل می‌شود، اما اگر درست کنترل شود تبدیل به فرصتی برای ترمیم لطمه‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان و سپس‌ا ایجاد نوعی رقابت و ایجاد فضایی برای ارزان‌تر رسیدن بعضی اقلام به دست مردم می‌شود.

مصور با بیان اینکه ازجمله عوامل ساختاری در ایجاد و گسترش دست‌فروشی، نبود تناسب بین رشد بخش‌های مختلف اقتصادی است،